

## هر چه خواهی رو بگیر اما مرو

(هر چه خواهی رو بگیر، اما مرو

دست بر پهلو بگیر، اما مرو) ۲

\*\*\*\*

تا ابد مجروح زخمِ کاری ام

وای من از این امانت داری ام

\*\*\*\*

خانه را عاری ز خوشحالی مکن

فاطمه پشتِ مرا خالی مکن

\*\*\*\*

آئینه‌ی مؤمن است مؤمن

میراثِ نبی شکست مؤمن

\*\*\*\*

امشب که ولی حق نشسته

رو در روی آینه شکسته

\*\*\*\*

بر سینه‌ی خویش لخته خون دید

یک لاله‌ی سُرخ واژگون دید

\*\*\*\*

آئینه ز بس در انکسار است

چون قلبِ امیرِ دُوالفقار است

\*\*\*\*

چشمی ز فراتِ آشک، خسته

چشمی مُتورّم است و بسته

\*\*\*\*

در حجره‌ی عشق، جمع جمعو

آئینه سرش به پای شمعو

\*\*\*\*

خسِ خسِ نفس است روضه خواندن

در پرده بس است روضه خواندن

\*\*\*\*

فرمود عزیز من علی جان

با گریه‌ی خود مرا مسوزان

\*\*\*\*

هر چند نشسته چون جنینی

بر من تو امیر مؤمنینی

\*\*\*\*

ای مرد من، ای عزیز عالم

سربار شدم، نما حلالم

\*\*\*\*

هر لحظه، علی صدات کردم

در دل گفتم، فدات مردم

\*\*\*\*

هر چند ز خنده دل بُردم

چندیست که خنده‌ات ندیدم

\*\*\*\*

چندی نشنیده‌ام صدایت

یک سوره بخوان شوم فدایت

\*\*\*\*

فرمود علی، به چشم بانو

بانوش نهاده، سر به زانو

\*\*\*\*

از اوّل آیه‌های یاسین

در لَرزه فتاد زانوی دین

\*\*\*\*

از چشم به چشم آشک بارید

زهرا مددی گرفت و کوشید

\*\*\*\*

تا پاک کند سِرشکِ مولا

شد مادر آب، عرقِ دریا

\*\*\*\*

چون فاطمه، شامِ آخرش بود

در هقِ هقِ گریه‌هاش فرمود

\*\*\*\*

عُسل و گفتم شبانه باشد

دَفنِ بدنم شبانه باشد

\*\*\*\*

آنان که نه با تو پا به پائید

با تو به مُشایعت نیایند

\*\*\*\*

یک لحظه، کنارِ قبرِ من باش

ای یار، بهارِ قبرِ من باش

\*\*\*\*

فرمود پس از وصیتِ خویش

چون وقت گم است و مرگ در پیش

\*\*\*\*

پس راحت گریه کن برائیم

گریه به من و یتیم‌هایم

\*\*\*\*

گریه به قَتیلِ اَشقیائِ کُن

(ولا تُنْسِ قَتیلَ العَدی بَطْفِ العِراقِ)

گریه به شهیدِ کربلا کن

\*\*\*\*

شد وعده‌ی ما کنارِ گودال

وقتی که حسین رفت از حال

\*\*\*\*

با روی، به روی خاک افتد

با پیکرِ چاک چاک افتد

حسین...